

تريٽ پاروش الكوي

آيت الله ابراهيم اميني



غذا خوردن، لباس پوشیدن، حرف زدن، اظهار عواطف، عکس العمل در برابر ناملایمات، ترس و فرار از خطرها، آداب و رسوم زندگی، تعاون و همکاری، اخلاق خوب باید را از معاشرین خود یاد می‌گیرد و تقلید می‌نماید. بنابراین، تقلید یک گزینه سودمند طبیعی است و نمی‌توان جلو آن را گرفت، بلکه باید در راه تربیت افراد، از آن استفاده کرد. اولیاء و مربیان باید از این گزینه ارزشمند بهره‌بردارند، یعنی الگوهای خوب و مطلوب را در اختیار فرزند قرار دهند تا از اخلاق و رفتار آنها درس عملی بگیرد و خود را بسازد. برای این اساس وجود گزینه تقلید زمینه‌ساز ناهنجاری‌ها می‌باشد و در روش تربیت الگویی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

برای تربیت، از شیوه‌ها و روش‌های مختلف می‌توان استفاده کرد که مهم‌ترین آنها روش الگویی است. در این روش، از فرد یا افرادی که دارای رفتار مطلوب هستند، به عنوان سرمشق و الگو استفاده می‌شود و در معرض مشاهده فرد مورد تربیت قرار می‌گیرد تا از رفتار او پیروی کند و خود را با او همسان سازد. ناهنجاری‌های شخصیت الگوها در شکل‌گیری رفتار و منش کودکان، نوجوانان و جوانان، و تشکیل یا تثبیت شخصیت اخلاقی و اجتماعی آنان فوق‌العاده چشمگیر است. در این روش، یادگیری به‌طور غیرمستقیم و از طریق مشاهده انجام می‌گیرد که از مؤثرترین انواع یادگیریها محسوب می‌شود. ناهنجاری‌ها و نقش‌پذیری انسان یک امر طبیعی است که از گزینه تقلید سرچشمه می‌گیرد.

انواع الگوها

کودک و نوجوان، از اخلاق و رفتار همه معاشران، کم یا بیش، درس می‌گیرند، مانند: پدر و مادر، پدر بزرگ و مادر بزرگ، برادر و خواهر، عمو و عمه، دایی و خاله، دوستان و همبازیها، معلمان و استادان، همکلاسیها، ورزشکاران و هنرمندان، افرادی که در اجرای فیلمهای سینمایی یا تلویزیونی فعالیت دارند، مخصوصاً قهرمانان آنها، بازیگران ناهنجار، کوپیندکسان و سخنرانان و شخصیت‌های بزرگ سیاسی و اجتماعی، که هوسریک از آنان می‌تواند برای کودک الگو قرار گیرد و او را تحت ناهنجاری قرار دهد، که این امر در تربیت باید مورد توجه اولیاء و مربیان باشد. لیکن جنسیت

گزینه تقلید

گزینه تقلید یکی از نیرومندترین، ریشه‌دارترین و سودمندترین غرائز بشری است که در طبیعت انسانها نهاده شده و نیازی به آموزش ندارد. کودک از آغاز، یک مقلد است و تا آخر عمر همچنان مقلد باقی خواهد ماند، گرچه با رشد عقلی، از تقلید او کاسته خواهد شد. تقلید از رفتار الگوها در زندگی کودکان خردسال، به خوبی مشاهده می‌شود.

گزینه پربرکت تقلید به کودک اجازه می‌دهد که خود را با موقعیت‌های کوناگون زندگی تطبیق دهد و با دیگران همسان و هماهنگ سازد. به برکت این گزینه است که کودک طرز

پوشیدن، آداب معاشرت، رعایت نظم یا بی‌نظمی، نظافت یا کثافت، ترس یا بی‌باکی، بردباری یا بی‌تابی، امانتداری یا خیانت، راستگویی یا دروغگویی، خیرخواهی یا بدخواهی، وظیفه‌شناسی یا عدم احساس مسوئولیت، تقید به قوانین اجتماعی یا نقض قوانین، آداب معاشرت یا بی‌ادبی، تقید به انجام وظائف دینی یا لاپالاییگری، و دیگر اموراخلاقی را کودک غالباً "در خانه و از پدر و مادر می‌آموزد.

دختر بچه از رفتار مادر درس شوهرداری، خانه‌داری، بچه‌داری و دیگر آداب زندگی را فرامی‌گیرد. پسر بچه نیز از رفتار پدر درس زن‌داری، بچه‌داری و اشتغال به کار را می‌آموزد. روابط خوب، مؤدبانه و صمیمانه پدر و مادر، یا روابط تیره، بی‌ادبانه و خصمانه و لجبازیها و کشمکشهای آنان، بدون شک در تربیت و شکل‌گیری شخصیت کودک تأثیر بسزایی دارد. شما آثار و عکس العمل رفتار خوب یا بد والدین را در بازیهای انفرادی یا دسته‌جمعی کودکان می‌توانید مشاهده کنید.

بنابراین، پدران و مادرانی که به تربیت صحیح فرزندان خویش و سعادت دنیوی و اخروی آنها علاقه دارند باید ابتدا رفتارشان را اصلاح کنند و خودشان را به صورت بهترین الگوها درآورند، تا فرزندانشان از آنها تقلید نمایند و درس زندگی بیاموزند. و چنانچه رفتار خودشان بد باشد نباید از کودکانشان انتظار داشته باشند که خوب پرورش یابند، زیرا کودکان غالباً "از رفتار بد آنها تقلید می‌کنند و بد تربیت خواهند شد. اگر والدین مسلمان هستند و علاقه دارند فرزندانشان نیز متعهد به اسلام پرورش یابند، باید خودشان ملتزم به وظائف شرعی باشند و خود را به صورت نمونه‌های عالی اسلام و قرآن

دسته از افراد نامبرده نقش بیشتری دارند که به طور خاص به آنان اشاره خواهد شد.

والدین

پدر و مادر اولین و آشنا ترین چهره‌هایی هستند که کودک با آنان برخورد می‌کند. در دوران ناتوانی و نیاز و وابستگی کودک، پدر و مادر هستند که با عشق و اخلاص به یاری کودک می‌شتابند و او پرستاری و نوازش می‌نمایند. تمامی نیازهای غذایی، بهداشتی و عاطفی کودک از ناحیه پدر و مادر تأمین می‌شود. کودک به تدریج به موقعیت حساس پدر و مادر و نیاز شدید خود به آنان، پی می‌برد و متقابلاً "به آنان علاقه‌مند می‌گردد. و به همین جهت والدین خود را بهترین و خیرخواه‌ترین و با نفوذترین اشخاصی می‌داند که می‌توان آنان را سرمشق و الگوی زندگی قرار داد و از رفتارشان پیروی نمود. بنابراین پدر و مادر را می‌توان به عنوان اولین و مؤثرترین و بسا دوام‌ترین و مطمئن‌ترین الگوها معرفی کرد.

چشمان ظریف کودک همانند یک دوربین حساس، از همه حرکات و رفتار والدین فیلمبرداری می‌کند و از رفتار خوب یا بد آنان تقلید می‌نماید. کودک همه چیز را در خانه و از پدر و مادر یاد می‌گیرد. از لبخندها و زمزمه‌ها و نوازشهای مادر، درس خوشبینی و اعتماد و اظهار محبت می‌آموزد. از تندبها و عصبانیتها و بدرفتاریهای او نیز درس عصبانیت و بدرفتاری می‌گیرد. سخن گفتن، آداب غذا خوردن، لباس

دارند و از رفتارش تقلید می‌کنند. رابطه‌ی دانش‌آموز با معلم یک رابطه باطنی و معنوی است. دانش‌آموز معلم را شخصیتی محترم و مختار می‌داند که او را در بزرگ‌شدن، به استقلال و آزادی رسیدن و به عضویت رسمی جامعه درآمدن، کمک می‌نماید. معلم با روح و جان دانش‌آموز سرو کار دارد، و به همین جهت به عنوان یک الگوی محبوب و مطاع پذیرفته می‌شود.

دانش‌آموز گرجه فیلا "در محیط خانواده علوم و اطلاعات فراوانی را کسب کرده، رفتارهایی را آموخته و به اموری عادت کرده و تاحدی شکل گرفته است، لیکن هنوز شخصیت وی شکل ثابت به خود نگرفته و تاحد زیادی قابل انعطاف و تغییر رویه است. کودک در این سن، از محیط خانواده خارج می‌شود و به طور رسمی در اجتماعی جدید، یعنی مدرسه، پذیرفته می‌شود. دانش‌آموز در این اجتماع جدید فرصت می‌یابد که افکار و اندوخته‌های دینی و رفتار و عاداتهای گذشته‌اش را مورد بازنگری قرار دهد و شخصیت خویش را بسازد و تکمیل و تثبیت نماید.

با نفوذترین و محبوبترین فردی که می‌تواند در این مرحله، حساس، به کودک کمک کند معلم است. به همین جهت دانش‌آموزان، معلم را به عنوان یک الگو می‌پذیرند و از رفتار و گفتار و اخلاق خوب یابد او سرمشق می‌گیرند و خود را با وی همسان می‌سازند. دانش‌آموزان همه اعمال و رفتار معلمان و مدیر و حتی مستخدمان مدرسه را زیر نظر دارند و از طرز برخورد معلمان با مدیر مدرسه، معلمان با یکدیگر، معلمان با مستخدمان مدرسه، معلمان با دانش‌آموزان،

و الگوی کامل تعالیم اسلامی درآوردند تا فرزندانشان نیز از رفتار آنها تقلید نمایند و دیندارپرورش یابند. والدین در صورتی می‌توانند فرزندان خویش را با تربیت‌های اسلامی و مفید به ضوابط شرعی پرورش دهند که خودشان نیز در محیط خانواده و در حضور فرزندان به انجام وظایف دینی و رعایت اخلاق نیک اسلامی ملتزم باشند، و از ارتکاب گناه اجتناب نمایند.

اگر پدر و مادر به نماز اهمیت بدهند، و در اول وقت و با رعایت آداب و شرایط، آن را ادا کنند، فرزندان خانواده نیز نمازخوان تربیت می‌شوند. تقید به روزه‌داری و انجام سایر فرائض دینی، رعایت تقوا و اجتناب از گناهان نیز همین اثر را دارد. برعکس، چنانچه پدر و مادر، نسبت به انجام وظایف دینی و مراسم مذهبی، لاپالی یا بی‌اعتنا باشند، نباید انتظار داشته باشند که فرزندان دیندار و ملتزم به مراسم دینی پرورش دهند.

در احادیث نیز بدین مطلب اشاره شده است:

امام علیه‌السلام می‌فرماید: بین فرزندان خود به عدالت رفتار کنید، همان طور که میل دارید آنان در احسان در بین شما با عدالت رفتار نمایند.^۱

معلم

بعد از پدر و مادر، معلم جادبترین و با نفوذترین افراد، در نزد کودک و نوجوان است. دانش‌آموزان، مخصوصاً "دانش‌آموزان دوره ابتدایی، شدیداً "تحت‌تأثیر معلم خود قرار

برمسوءولیت ترین شغلهاست. معلم نمی‌تواند نسبت به اخلاق و رفتار خود، آزاد و بی‌تفاوت باشد. معلم باید به مسوءولیت سنگین و ارزشمند خویش و مقدار نفوذش در دانش‌آموزان، خوب بیندیشد و با اصلاح اخلاق و رفتار خود بهترین الگو را در اختیار دانش‌آموزان قرار دهد.

بدین ترتیب روشن شد که اصلاح جامعه باید از اصلاح خانواده و بعد از آن، اصلاح مدرسه، به وسیلهٔ پرورش و به‌کارگرفتن معلمان خوب و شایسته انجام بگیرد. مراکز تربیت معلم، در این مورد، بزرگترین مسوءولیت را برعهده دارند. باید در گزینش دانشجو کاملاً "دقت کنند"، فقط افراد دیندار و متعهد و خوش اخلاق و صالح را بپذیرند. در برنامهٔ درسی دانشجویان به همان مقدار که در آموزش علوم عنایت دارند، در پرورش ایمان و تعهدات اخلاقی و ترکیب و تهذیب نفوس آنان نیز توجه داشته باشند.

درس می‌گیرند و از اخلاق و رفتار معلم، از طرز ادارهٔ کلاس، از رعایت عدل و انصاف در نمره دادن، از وقت شناسی و رعایت نظم، از دلسوزی و مهربانی، از خوشرویی و فروتنی، از دینداری و التزام به ضوابط شرعی، از اخلاق خوش و با ادبی، از خیرخواهی و نوع دوستی معلّم نکنه‌های آموزند. همچنین از اخلاق و رفتار و کردار بد معلمان متاءثر می‌شوند و خود را با آنان همسان می‌سازند.

بنابراین، معلم فقط یک آموزگار نیست بلکه مهم‌تر از آن، یک مربی و یک الگوی بانفوذ است. یک معلم خوب که با رفتار نیک و گفتار پسندیده‌اش دانش‌آموزان را خوب پرورش دهد بزرگترین خدمت را نسبت به اجتماع انجام می‌دهد. برعکس یک معلم بد اخلاق، بد رفتار و منحرف که با رفتار بد خود، دانش‌آموزان را به انحراف و تباهی می‌کشد بزرگترین خیانتها را نسبت به اجتماع مرتکب خواهد شد. بنابراین، شغل معلمی حساسترین و

تزاخم بین قول و عمل

اگر مربی به آنچه می‌گوید، خود عمل کند، فرد مورد تربیت، راه خود را به خوبی می‌شناسد. از رفتار مربی سرمشق می‌گیرد و کفتارش را مودید رفتارش محسوب می‌دارد. اما چنانچه در بین کفتار و رفتار معلم دوگانگی مشاهده‌کنند سرگردان خواهد شد، زیرا نمی‌داند از کفتار مربی پیروی کند یا از رفتارش. در این صورت یا به‌طور کلی سلب اعتماد می‌کند، یا اینکه رفتارش را ترجیح می‌دهد و پیروی می‌نماید، اما به هر حال کفتارش از اعتبار ساقط می‌شود. اگر پدر و مادر یا معلم



نمی تواند الکوی صالح را تشخیص دهد امکان دارد از الکوی ناشایسته پیروی کند و بسه انحراف کشیده شود. و این یکی از مشکلات مهم تربیتی است که برنامه های تربیتی را عقیم و بی اثر می سازد. بنابراین اولیا و مربیان وظیفه دارند رفتار و گفتارشان را با یکدیگر هماهنگ کنند.

عنایت اسلام به الگوها

اسلام چون به نقش مهم و سازنده الگوها در تربیت افراد، واقف بوده است به افراد ممتازی که دارای موقعیت خاص اجتماعی هستند و می توانند برای سایر افراد به عنوان الگو و سرمشق پذیرفته شوند، سفارش می کند که قبلاً " رفتار و سیره خودشان را اصلاح نمایند، آنگاه منصب پیشوایی را بپذیرند. در این باره احادیث فراوانی داریم که به نمونه ای از آنها اشاره می شود:

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: هرکس که خودش را در منصب پیشوایی و رهبری مردم قرار داد لازم است قبل از تعلیم دیگران نفس خودش را اصلاح کند، و باید تاء دیب و تربیت او به وسیله رفتارش، قبل از تاء دیب بازباننش باشد. کسی که معلم و تاء دیب کننده نفس خویش باشد شایسته تر به احترام است از معلم و تاء دیب کننده دیگران. ۳.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: پندی که هیچ گویی آن را بیرون نمی افکند و هیچ نفعی با آن برابری نمی کند، پندی است که زبان گفتار از آن خاموش و زبان کردار بدان گویند باشد. ۴.

خود دروغ می گویند نمی توانند کودک را بسا دعوت زبانی به راست گفتن پرورش دهند. حتی در صورتی که در ارتکاب عمل خاصی معذور هستند باید کودک را توجیه نمایند. مثلاً " اگر در اثر بیماری ناچارند روزه نگیرند، باید کودک را کاملاً " توجیه نمایند که بیمارند و بسر طبق دستور پزشک باید روزه را بخورند، و اگر بگیرند باطل است. اگر معلم در اثر بیماری ناچار است روزه اش را افطار کند، لازم است در حضور دانش آموزان روزه خواری نکند، و اگر ناچار شده روزه اش را افطار کند، جدا " اظهار تاء سف نماید.

در احادیث نیز به موضوع ضرورت هماهنگی بین گفتار و رفتار مری، اشاره شده است. از اب نمونه: حضرت صادق علیه السلام فرمود: چنانچه عالم به علم خود عمل نکند، مواعظ او با سرعت از قلبها زائل می شود، چنانکه باران از جای صاف و صیقلی می لغزد و زائل می شود. ۲.

تعارض بین الگوها

پدر، مادر و معلم برای کودک الگوهایی هستند که وی از رفتارشان پیروی می نماید. چنانچه همه آنان در رفتار و گفتار هماهنگ باشند کودک بدون تردید وحیرت از آنان پیروی می کند. اما اگر در بین رفتار و گفتار الگوها تعارض و تهافت وجود داشته باشد، کودک مردد و نگران می شود. نمی داند از کدام یک از آنها پیروی کند و به اصول و ارزشهای کدام یک پایبند گردد. در چنین حالی به همه آنان بدبین و بی اعتماد می شود. و چون خودش

و حتی عذاب اخروی آنان را سخت تراز عذاب جاهلان معرفی می کند. زیرا مردم غالباً "علما" را به عنوان الگویی پذیرند و از رفتارشان پیروی می نمایند. اگر صالح و نیک رفتار باشند، مردم نیز صالح خواهند شد، و اگر ناصالح و بدرفتار باشند، مردم نیز بدرفتار خواهند شد. بنابراین فساد علما، از فساد جاهلان بسی زیانبارتر خواهد بود. در این مورد احادیث فراوانی داریم که به نمونه‌هایی از آنها اشاره می شود:

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:
 شدیدترین مردم از جهت عذاب در قیامت،
 عالمی است که از علم خود سودی نبرد.^۹
 پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:
 علم امانت خداست، و علما امانتدار هستند.
 پس هر عالمی که به علم خود عمل کند امانت
 خدا را ادا کرده است و هر کس که به علم خود
 عمل نکند خدا او را در دیوان زیانکاران ثبت
 می نماید.^{۱۰}

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: لغزش
 عالم مانند شکسته شدن کستی است که خودش
 غرق می شود و دیگران را نیز غرق می کند.^{۱۱}
 رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:
 بدترین بدها، علما بدهستند، و بهترین خوبیها،
 علما خوب می باشند.^{۱۲}

امام صادق علیه السلام فرمود: شما
 دعوت کنندگان مردم به وسیله غیر زبان‌تان
 باشید. باید مردم، اجتهاد و صداقت و
 پرهیزکاری را در شما مشاهده نمایند.^۵
 امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: اگر به
 اصلاح مردم همت نموده‌ای، این کار را از اصلاح
 خودت شروع کن، زیرا چنانچه خودت فاسد
 باشی و خواهی دیگریان را اصلاح کنی، این
 بزرگترین عیب است.^۶

اسلام توافق گفتار و کردار را در الگوهای
 تربیتی یک امر لازم و ضروری می داند و آن قدر
 در این باره تأکید دارد که دعوت کردن به
 کارهای نیک را در صورتی که با عمل همراه نباشد
 یک گناه می داند. در قرآن می گوید: ای کسانی
 که ایمان آورده‌اید چرا چیزی را می گویند که
 خود انجام نمی دهید.^۷ این گناه بزرگی است
 که شما چیزی را بگویند که آن را انجام نمی
 دهید. و می فرماید: آیا مردم را به نیکی دعوت
 می کنید ولی نفس خودتان را فراموش
 می نمایید، در حالی که کتاب خدا را می خوانید،
 آیا تعقل نمی کنید؟^۸

به همین جهت اسلام به علماء تأکید می
 نماید که حتماً " برطبق علم خویش عمل کنند،
 و از عالمان بی عمل شدیداً مذمت می نماید،

۳ - قال علی علیه السلام: من نصب نفسه
 للناس اماماً " فليبدء بتعليم نفسه قبل
 تعليم غيره و ليكن تاء ديبه بسيرته قبل
 تاء ديبه بلسانه و معلم نفسه ومؤ ديبها
 احق بالاجلال من معلم الناس ومؤ ديبهم،
 نهج البلاغه، كلمات قصار، شماره ۷۳
 ۴ - قال علی علیه السلام: ان الوعظ الذي
 لا يمح به سمع ولا يعدله نفع ماسكت عنه

پاورقیها:
 ۱ - وقال علیه السلام: اعدلوا بين اولادكم
 كما تحبون ان يعدلوا بينكم في البر و
 واللطف، بحار، جلد ۱۰۴، صفحه ۹۲
 ۲ - عن ابي عبدالله علیه السلام قال: ان العالم
 اذا لم يعمل بعلمه زلت موعظه عن القلوب
 كما يزل المطر عن الصفا، بحار، جلد ۲،
 صفحه ۳۹



٩- قال رسول الله صلى الله عليه وآله: اشد

الناس عذابا "يوم القيامة عالم لم ينفعه

علمه ، بحار ، جلد ٢ ، صفحه ٣٨

١٥- قال النبي صلى الله عليه وآله: العلم

وديعه الله في ارضه، والعماء امناءه عليه

فمن عمل بعلمه ادى امانته، ومن لم يعمل

بعلمه كتب في ديوان الخائبيين ، بحار ،

جلد ٢ ، صفحه ٣٦

١١- قال علي عليه السلام: زله العالم كانكسار

السفينه تفرق وتغرق ، بحار ، جلد ٢ ، صفحه

٥٨

١٢- قال رسول الله صلى الله عليه وآله: الا ان

شر الشر شرار العلماء ، وان خيرا خيرا خيار

العلماء ، بحار ، جلد ٢ ، صفحه ١١٥

لسان القول و نطق به لسان الفعل ،

غررالحكم ، فصل نهم ، شماره ١٦٢

٥- قال ابو عبد الله عليه السلام: كونوا دعاة

الناس بغير السننكم ، بيروا منكم الاجتهاد

والصدق والورع ، مشكاة الانوار ، صفحه ٤٦

٦- قال علي عليه السلام: ان سمت همتك

لاصلاح الناس فابده بنفسك ، فان تعاطيك

صلاح غيرك وانت فاسد اكبر العيوب ،

غررالحكم ، فصل دهم ، شماره ٤٣

٧- يا ايها الذين آمنوا لم تقولون مالا تفعلون

كبر مقتا عند الله ان تقولوا مالا تفعلون ،

سوره صف ، آيه ٢-٣

٨- اثناء مروء الناس بالبر وتنسون انفسكم وانتم

تنتلون الكتاب افلا تعقلون ، سوره بقره ،

آيه ٤٤

